

آیا ایران ، دوّمین هدف آمریکاست ؟

اشاره ء قبل از اشاره

مسأله ء احتمال حمله ء آمریکا به ایران ، اصلاً شوخی بردار نیست. و هر نوع تلاشی را در جهت منتفی دانستن این احتمال ، و یا به نوعی کمرنگ کردن خطر تجاوز خارجی ، در درجه ء اوّل باید با سو ء ظن نگاه کرد ؛ مگر آن که خلاف آن ثابت شود. هر که « **سیمور هرش** » را می شناسد ، می داند که او نه اهل جنجال و هیاهوی مطبوعاتی دروغ راه انداختن است ؛ و نه روزنامه نگاری است که بتوان به راحتی سرش را کلاه گذاشت و اطلاعات نادرستی را با هدف هایی مثل تست کردن یا ترسانیدن و اینجور چیز ها ، از طریق او پخش کرد.

هم نوشته ء معروف او در این زمینه در « **نیویورکر** » جدّی است ؛ و هم تأکیدات پیاپی او بر صحتّ این نوشته ، در گفتگو های متعدّدش با رسانه ها. تازه ترین گفتگوی او در این زمینه ، تا این لحظه که این سطور نوشته می شوند ، و در محدوده ء آگاهی من ، گفتگوی او با روزنامه ء معتبر « **حریت** » چاپ ترکیه است. « **سیمور هرش** » ، در این گفتگو تأکید می کند که مأموران اطلاعاتی آمریکا با استفاده از گذرنامه های کانادایی یا استرالیایی ، به ایران رفته اند ، و هدفشان شناسایی مراکز پنهان فعالیت های هسته یی ملّیان ، و محلّ اسقرار موشك های ایران است.

او در این گفتگو پا را از این فراتر می نهد و پیش بینی می کند که آمریکا در **اوایل تابستان آینده** ، به ایران (دستکم به مراکز شناسایی شده در ایران) حمله کند. او در همین گفتگو ، پرده از راز دیگری بر می دارد که نقش مستقیم حکومت **اسرائیل** را در این ماجرای اتم و اتم بازی بر ملا می کند. « هرش » در این گفتگو تصریح می کند که :

- توصیه ء اسرائیل به آمریکا این است : یا شما بمباران را آغاز کنید ، و یا ما خودمان اقدام می کنیم !

حالا بگذار « **توماس فریدمن** » در **نیویورک تایمز** بنویسد که « این را به ایرانی ها نگوئید [چون ایرانی ها این روزنامه را نمی خوانند !] ، امّا تیم بوش قصد حمله به هیچ کشور دیگری را ندارد. »

روزنامه « مردم » ، ارگان حزب کمونیست چین . با تأکید بر این که حمله ء آمریکا احتمالاً از کشور آذربایجان آغاز خواهد شد ، و فرودگاه باکو ، اخیراً بر اساس معیار های « سازمان پیمان آتلانتیک شمالی » ، یعنی همان « ناتو » ی کذایی ، بازسازی شده است ، می نویسد :

- بسیاری از پرواز های نورانی که در تابستان گذشته برفراز صفحات شمالی ایران انجام شدند ، از پایگاه های هواپیمایی کشور آذربایجان در باکو پایتخت آن کشور ، و نیز نواحی مرزی آن کشور با ایران انجام گرفته است ، و مقامات « جمهوری اسلامی » ، به عمد ، مسأله را عبور سنگ های آسمانی قلمداد کرده اند !

البته این پنهانکاری حاکمیت ملّیان ، از همان جنس تکذیب گزارش « سیمور هرش » است ؛ و آن تکذیب هم از جنس ترس. ترس از واقعیت واقعی بودن این گزارش ها. وگرنه کیست که نداند که ملّیان ، برای جمع آوری نیرو های فروپاشیده ء خود ، و انواع و اقسام مصارف داخلی و خارجی ، اتفاقاً به چنین خبر ها و گزارش هایی نیاز دارند ؛ اما به شرطی که دروغ باشد !

« گاردین » ، روزنامه ء معتبر انگلستان نیز در یکی از تازه ترین شماره های خود ، از قول يك منبع اطلاعاتی واشنگتن نوشته است که آمریکا هواپیما های نظامی متعددی را برای آزمایش توان پدافند هوایی ایران ، بر افراز ایران به پرواز در آورده است ، با این هدف که ایران ، پدافند هوایی خود را به کار بیاندازد. چیزی که طبعاً ملّیان ، آن را هم از مردم پنهان داشته اند...

این ها همه ، مرا واداشت تا ، دستکم برای خودم هم که باشد ، يك بار دیگر مطلبی را که در شماره ء یازدهم دسامبر « الشرق الاوسط » خوانده بودم و شتابزده ترجمه یی از آن هم تهیه کرده بودم ، هم بازخوانی و هم ردیابی کنم. و در این بازخوانی و ردیابی ، به دو - سه نکته ء مبهم بر خوردم که لازم دانستم روشن کنمشان :

يك : همانطور که در متن مطلب هم آمده است ، آن گزارش بر مبنای مطلبی نوشته شده است که در شماره ء دسامبر ماهنامه ء « آتلانتیک » یا به عبارت دقیقتر :

Atlantic Monthly War Game

انتشار یافته است.

این ماهنامه ، همانطور که از نامش پیداست « همّت » خود را مصروف « بازی » های جنگی کرده است. اما بازی هایی که خیلی هم بازی نیستند. و همینطور که در

سناریوی مربوط به حملهء آمریکا به ایران می بینیم ، نویسندگان و بازیگران و تمرین کنندگان سناریو ، جمعی از برجسته ترین چهره های نظامیان و سیاستمداران و اطلاعاتی های آمریکا هستند.

دو : James Fallows نیز یادداشتی تحلیلی بر همین سناریو نوشته است. و این خود می تواند نشانی بر نه چندان « بازی » بودن این سناریو تلقی شود. او کارشناسی است که در بارهء سیاست های آمریکا مطالب متعددی نگاشته است همچون :

- « **موفقیت بدون پیروزی** » ، در بیان استراتژی عصر ترور.
- « **بوش علیه کری** » ، در بررسی شیوه های تبلیغاتی بوش و کری.
- « **سخنرانی رسمی پس از مرگ** » ، تحلیلی از سخنرانی « جفنگوار » بوش.

« فالو » دربارهء « این بازی کلاسیک پنتاگون که نظامیان ، جاسوسان ، و دیپلمات ها آن را طرح ریزی کرده اند » ، از جمله اشاره می کند که :

- در ماه ژوئن ، آژانس بین المللی انرژی اتمی گفت که به ایران در حد اهمیت پروژهء اتمی آن توجه نشده است.

- در ماه ژوئیه ، ایران اعلام کرد که تن به يك قرارداد اتمی که اختیارات بیشتری به بازرسان بدهد ، نخواهد داد.

- در ماه اوت ، وزیر دفاع ملّی ایران اعلام کرد که اگر ایران به طور جدّی از ناحیهء بیگانگان ، به خصوص آمریکا یا اسرائیل ، در مورد تأسیسات هسته یی خود احساس خطر کند ، به ضربه یی پیشگیرانه اقدام خواهد کرد که هدف آن می تواند نیروهای آمریکایی در آنسوی مرز - در عراق - باشد.

- در ماه سپتامبر ، ایران اعلام کرد که سی و هفت تن اورانیوم را برای غنی کردن ، آماده می سازد. و در برابر آژانس بین المللی انرژی اتمی هم موضع سختی گرفت.

- در ماه اکتبر ، حکومت ایران اعلام کرد که موشك هایی دارد با برد **۱۲۵۰ میل** که از جمله قادرند اروپا را از جنوب شرقی تا غرب بکوبند.

همچنین يك سخنگوی امور خارجهء ایران ، پیشنهاد « **کری** » را مبنی بر کمک به برنامه های اتمی ایران در صورتی که این کشور از غنی سازی اورانیوم دست بردارد رد کرد.

- و در انتظار ، دولت **اسرائیل** نیز ایران را تهدید کرد که اگر زیاده روی کند با بمباران از سوی اسرائیل ، مواجه خواهد شد.

سه : کار من ترجمه نیست ؛ و معمولاً هم اگر ترجمه یی مکتوب کرده ام ، بیشتر ، یادداشتی بوده است برای استفاده ء شخصی خودم در نوشته یی ، تحقیقی یا چیزی از این نوع.

حال آن که در ترجمه یی که قرار است انتشار عمومی بیابد ، باید رعایت خیلی چیزها را کرد. و از آن جمله است توضیح بعضی از موارد که ظاهراً به نزد خود آدم از واضحات به نظر می آیند.

مثلاً در همین ترجمه که ذکر آن رفت ، نام کسانی که نقش مقامات دولتی را در سناریو ایفا می کنند ، در مقابل عنوان این مقامات ، آورده شده است. و خواننده ، علی القاعده ، می بایست در نظر داشته باشد که این يك سناریوست و نه واقعیت. چیزی است از نوع يك فيلم يا مثلاً يك تئاتر. ولی پاره یی از خوانندگان ، بدون توجه به بدیهیاتی از این نوع که مثلاً اسم وزیر خارجه ء آمریکا « کینس بولاك » نیست ، مرز میان سناریو و واقعیت را گم کرده بودند ! که اینجور موارد از جمله ء همان مواردی است که باید به هنگام ترجمه برای عموم ، و نه برای خود ، رعایت کرد. و کوتاهی از من است نه از آن ها. آن هم در دوره و زمانه یی که در عالم واقع نیز مرز میان سناریو و واقعیت ، پیدا نیست !

و حالا خود آن ترجمه با رعایت نسبی نکاتی که آمد . و بخشی از مقدمه واره یا به اصطلاح « اشاره » آن :

اشاره

این گزارش ، هر ماهیتی که داشته باشد ، سناریویی بسیار دقیق و حرفه یی را تشریح می کند که کم و بیش به همین صورت - بالقوه - قابل تحقق یافتن است. جنجال های اتمی ، بر سر ایران ، همراه با کاسه لیبسی ها و التماس های گاه کاملاً آشکار و وقیحانه ، و گاه کاملاً وقیحانه و پنهان به درگاه نویسندگان این سناریو و این نوع سناریو ها ، و تشدید یا تضعیف این جنجال ها به تناسب موضع گیری ها و معاملات سرگرفته یا سرنگرفته ء آنان با ملایان ، خود به اندازه ء ضرورت ، افشاگر نیاز بی پایگاهان در میان مردم ایران ، به یافتن پایگاهی در میان دشمنان مردم ایران هست ...

من می توانم آرزویی و رؤیایی را با خود به گور ببرم ، بی آن که بخواهم بیایند و مردم ایران را

نیز با من به گور بیاندازند :

یا مستقیماً و بی درنگ ، و یا بعد از تحریم هایی از آن نوع که شورای امنیت و غیره بر ملت عراق به رسم ، و بر دولت عراق به اسم ، تحمیل کردند.

من می توانم شاهد نابودی و اضمحلال خود باشم ، بی آن که آرزوی تماشای اضمحلال ملت قدرنا شناس و ناسپاس خودم را داشته باشم که در پی حملات اسرائیل و آمریکا ، اجساد کشته شدگان را از ویرانه یی به ویرانه یی می برد ، و تا نسل ها و نسل ها ، کودکان را که در پی بمباران مراکز اتمی ، ناقص و معلول و سرطانی به دنیا می آیند ، تا گور های کوچکشان بر دوش می کشد و مرا لعنت می کند.

من می توانم ببینم که عمده شدن مسأله آزادی و مسأله حقوق بشر - که مسأله واقعی ملت من است ، نه به نفع من و آمال و احلام من ، بلکه به نفع مردم و جریاناتی است که به طور عینی در مبارزه « واقعاً موجود » ، با کم و بیش ها و خوب و بدش ، و کاستی ها و ناکاستی هایش ، درگیرند ؛ اما نکوشم که آن را تحت الشعاع منافع شارون ، و مثلث بوش - چنی - رامسفلد قراردهم ، و به خیال خودم با يك تیر دونشان بزنم :

- سرکوب این مردم ، به وسیله ملّایان ، و نیازمند کردنشان به « منجی » ، به « منجی » آویخته به هر خس و خاشاکی برای نجات خودش البته .
- و به دستمزدی قطعی و دستمزیادی قطعاً موهوم و به همان اندازه که نصیب چلبی و چلبی ها شد رسیدن.

من می توانم - و نمی دانم - شاید هم که نمی توانم به مردم بگویم :
- این ها کردم و آن ها نکردم ؛ اما دیگر ، در عبور زمان ، به رشد و کمال ، باور آورده ام ؛ به شهامت نقد و بررسی خود رسیده ام ؛ و از این پس ، آن ها خواهم کرد و این ها نخواهم کرد...

محمد علی اصفهانی

www.ghoghnoos.org

سناریوی آمریکا برای جنگ با ایران در سه مرحله

« الشرق الاوسط »

یازدهم دسامبر دو هزار و چهار

واشنگتن - محمد علی صالح

ژنرال ها و افراد اطلاعاتی باز نشسته ء آمریکایی که روابط قابل اطمینان و محکمی با وزارت دفاع (پنتاگون) دارند ، سناریویی سه مرحله یی برای حمله به ایران ، تنظیم کرده اند.

مرحله ء اوّل ، شامل حمله به مقر های سپاه پاسداران است که سازمان امنیت آمریکا می گوید که محل های آن ها را می داند ، و معتقد است که نابود کردن این مقر ها ، بیش از يك روز ، به درازا نخواهد کشید.

مرحله ء دوّم ، شامل حمله به رآکتور های هسته یی است و سیصد مرکز را شامل می شود.

از این سیصد مرکز ، صدویست و پنج مرکز مربوط به سلاح های هسته یی ، شیمیایی ، و میکربی است.

و مرحله ء سوّم ، شامل ارسال نیروست از خلیج [فارس] ، و عراق ، و آذر بایجان ، [کشور آذربایجان] و گرجستان ، و افغانستان . به منظور بر گردانیدن نگاه های ایران و دوره کردن نیرو های ایرانی.

و بعد :

ورود انبوه و آرام و پنهانی از سوی حوالی تهران ، که مسئولان ، ارزیابی کرده اند که دو هفته ، طول می کشد.

این طرح ، ورود به تهران را شامل نمی شود ، و فقط تضمین کننده ء حکومتی دوست آمریکا در ایران است.

امّا ، سناریو ، هشدار داده است که :

وقتی که ایران به وجود خطری نیرومند ، آگاه شود ، پیشدستی می کند و دست به حمله به نیروهای آمریکایی در خلیج [فارس] می زند ، و يك جبهه ء شیعی را در داخل عراق علیه نیرو های آمریکایی مستقر در آنجا می گشاید. این خبرگان و نظامیان بلندپایه ، سناریوی جنگ ایران را بعد از جلسه ء بحث و کنکاشاجتماعات شورای امنیت ملّی آمریکا ، تهیه کرده اند.

- در جلسه یی که به بررسی این سناریو اختصاص داشت ، افراد زیر شرکت داشتند : (
- نام کسانی که نقش مقامات دولتی را در این سناریو ایفا می کنند ، در مقابل عنوان این مقامات ، آورده شده است. و خواننده ، علی القاعده ، در نظر دارد که این يك سناریوست.** در انتشار اولیّه ء این ترجمه ، این توضیح را توضیح واضحات فرض کرده بودم و آن را ضروری نمی دانستم ؛ ولی پاره یی از خوانندگان ، بدون توجّه به بدیهیّتی از این نوع که مثلاً **اسم وزیر خارجه ء آمریکا** » **کینس بولاک** » نیست ، مرز میان سناریو و واقعیت را گم کرده بودند ! که اینجور موارد را هم باید به هنگام ترجمه برای عموم ، و نه برای خود ، رعایت کرد. و کوتاهی از من است چرا که معمولاً سر و کارم با ترجمه برای استفاده ء شخصی خودم بوده است و نه انتشار عمومی به همان صورت اولیّه .)
- مشاور بوش در امنیت ملّی ، **سام گاردیز** ، یعنی همان سرهنگ باز نشسته یی که بیست سال پیش ، سناریوی اشغال عراق را تهیه کرد. این سناریو مورد استفاده ء ژنرال تومی فرانکس ، فرمانده نیرو هایی که در سال گذشته ، عراق را اشغال کردند قرار گرفت.
 - مدیر مرکز اطلاعات مرکزی ، **دیوید کای**. او مدیر هیأت ملل متحد در امر اسلحه ء هسته یی عراقی ، و بعد ، مدیر گروه آمریکایی جستجو و تحقیق در مورد سلاح کشتار جمعی بود.
 - وزیر خارجه ، **کینیس بولاک** ، متخصص امور ایران در انستیتوی « بروکنگز واشنگتن ». او ، پیش از این ، مسئول امور ایران در نمایندگی اطلاعات مرکزی بود. و يك سال پیش از جنگ عراق ، کتاب « توفان تهدید کننده : دعوت به جنگ عراق » را منتشر کرده بود که در تقویت تأیید جنگ عراق ، نقش مؤثری داشت.
 - کارمند ارشد کاخ سفید ، **کینیس بیکون** مدیر سازمان « پناهندگان بین المللی » ، برای کمک به پناهندگان. او در زمان ریاست جمهوری سابق : بیل کلینتون ، سخنگوی پنتاگون بود.
 - وزیر دفاع ، **مایکل مازار** : استاد استراتژی امنیت ملّی در دانشکده ء ملّی جنگ در واشنگتن.

طبق این سناریوی جنگ - که آن را مجله « آتلانتیک » منتشر کرده است - اجتماع فوری پی در ساعت نه صبح جمعه تشکیل شد.

این اجتماع ، بعد از اخباری تشکیل شد حاکی از این که خامنه پی در نماز جمعه ، خطبه پی خوانده است که در آن ، توقف برنامه ه هسته پی ایران را مردود دانسته است.

و نیز با در نظر گرفتن این نکته که سازمان انرژی اتمی ، در روز پیش ، بیانیه پی صادر کرده بود که در آن اظهار می داشت که . « امید خود را به قانع کردن ایران به توقف برنامه های هسته پی از دست داده است ».

آنچه در این اجتماع گذشت

ریاست این اجتماع را مستسشار بوش در امنیت ملی به عهده داشت.

او با تأکید بر دو نکته ، سخنانش را آغاز کرد :

يك : بحث نکردن در باره ه زمان حمله به ایران. به این دلیل که این موضوع ، به تماس های دیپلماتیکی که بوش به آن ها اقدام خواهد کرد مربوط می شود.

دو : تمام معلومات که بار ها تأیید شده است صحیحند ، و از مورد عراق ، درس گرفته شده است. موردی که در آن ، اشغال عراق با اعتماد به به اطلاعاتی انجام گرفت که بعداً معلوم شد که درست نبوده اند.

از سوی دیگر ، رییس سازمان مرکزی اطلاعات ، گفت که :

« ایرانی ها تا سه سال دیگر ، يك بمب هسته پی خواهند ساخت. »

اما این احتمال هست که آن ها امکانات و تجهیزاتی داشته باشند که ما از آن بی اطلاع باشیم. و نیز این احتمال که پاره پی دولت ها به آن ها ، امکانات و تجهیزاتی فروخته باشند که ما از آن بی خبر مانده باشیم.

« اینجا چیزهایی هست که ما می دانیم که نمی دانیم ؛ و چیزهایی هست که که ما نمی دانیم که نمی دانیم » .

حاضران ، از این سخنان اینطور استنباط کردند که قصد ، این است که ایران به زودی يك بمب اتمی خواهد ساخت ؛ و یا ای بسا که آن را ساخته باشد.

يك ضربه به تنهائی ، كفايت نمى كند

مدیر اطلاعات ، ادامه داد که اسراییل ، در هر لحظه ، آماده ء حمله به راکتور های اتمی ایران است. همانطور که بیست سال پیش ، مراکز هسته یی عراق را مورد حمله قرار داد.

او اضافه کرد :

« اما ما می ترسیم که يك ضربه ، به تنهائی ، نتواند تهیه ء بمب هسته یی توسط ایران را متوقف کند ؛ و یا این که حتّی این بمب ، تا حالا تهیه شده باشد .»
او بین مصالح آمریکا ومصالح اسراییل ، تفاوت قایل شد و گفت که تهدید بمب هسته یی ایران برای اسراییل بیشتر از این تهدید برای آمریکاست. و به همین دلیل ، اسراییل ، ای بسا اگر حس کند که ایران خطری حقیقی شده است ، آن را مورد حمله قرار دهد.

مدیر اطلاعات آمریکا گفت که سازمان اطلاعاتی اسراییل هم ، مثل آمریکا ، نمی تواند در باره ء تمام دانسته های خود مطمئن باشد. زیرا اسراییل از موارد زیر بی خبر است :

يك : مرحله واقعی یی که ایران در تهیه ء بمب هسته یی به آن رسیده است.

دو : محل هایی که این بمب ، یا اجزایی از آن ، ساخته می شوند.

سه : توان نابود کردن این محل ها بدون نیاز به تکرار هجوم. مخصوصاً با توجه به این که نخستین هجوم ، باعث خشم جهانی خواهد شد.

چهار : نیاز هواپیما های اسراییلی به تجدید سوخت در آسمان. در حالی که در مورد حمله به عراق چنین نیازی در کار نبود.

پنج : نیاز هواپیما های اسراییلی به کسب اجازه ء عبور از فضا های هوایی عربستان سعودی ، اردن ، و ترکیه ، که بعضی از آن ها ، و یا همه ء آن ها ، صدور چنین اجازه یی را رد خواهند کرد.

هوا پیما های اسراییلی ، همچنین به عبور از فضای هوایی عراق نیازمندند که اجازه دادن یا اجازه ندادن به آن ها به عهده ء آمریکایی هاست ، و این آمریکایی ها هستند که در این مورد باید نظر بدهند.

مستشار بوش در امنیت ملّی گفت که ثابت کردن خطر هسته یی ایران به نزد افکار عمومی جهان ، ساده تر است از آنچه در مورد عراق بود. و این به دو دلیل است :

يك : بازرسان سازمان انرژی اتمی بارها از ایران دیدن کرده اند و تأکید داشته اند که ایران ، در کار آن ها مشکل ایجاد می کنند و چیز های مهمی را از آن ها مخفی نگاه می دارد.

دو : پیوند های قوی پی میان ایران و سازمان های تروریستی پی که امریکا و متحدان و دوستانش را تهدید می کنند وجود دارد.

وزیر خارجه گفت که ضربه ء اسرائیل به مراکز اتمی ایران ، عکس العمل های منفی قوی در اروپا و جهان اسلام را در پی خواهد داشت. و بنا بر این ، اگر بر این نکته متمرکز شویم می توانیم به اسرائیل فشار وارد آوریم که : « زن » .
او گفت که تماس هایی که با مسئولان اسرائیلی داشته است روشن کرده است که :

« آن ها تا این حد که از ما می خواهند که بزنیم ، به این که خودشان این کار را بکنند مایل نیستند. آن ها می دانند که امکانات فنی برای برای نابود کردن رآکتور های ایرانی را ندارند ».

وزیر خارجه پرسید :

« آیا اگر فشار اسرائیل بر ما نباشد ، ما خود به این کار اقدام می کنیم ؟ »
او همچنین اظهار کرد که ایران ، ویران کردن رآکتور های خود را انتقام خواهد گرفت. چه آن ها را هواپیماهای آمریکایی ، ویران کرده باشند ، چه آن ها را هواپیما های اسرائیلی.

او گفت :

« التزامات آمریکا در عراق ، جدّاً مهیب است ، و اگر ایران بر ما غضب کند عراق به جهنّم بدل خواهد شد. »

مثل ویتنام

وزیر خارجه از وزیر دفاع پرسید :

« آیا می توانی به اندازه ء کافی ، نیروی جنگی و سلاح برای تحقّق جنگ ایران فراهم کنی بدون آن که تأثیری در کار ما در عراق داشته باشد ؟ این ، آنطور که ما می دانیم ، کار آسانی نیست. »

اماّ وزیر دفاع جواب روشنی به این پرسش نداد.

به نوبه خود ، مدیر سازمان مرکزی اطلاعات ، سخنان وزیر خارجه را تأیید کرد ؛ و افزود که در نظر ایران شکست ما ، شکست سخت ما ، در عراق ، مهم تر از محافظت وحدت عراق و سیادت و استقرار و انتخابات عراق است.

در اینجا مستشار بوش در امنیت ملی ، از حاضران در جلسه در مورد مسامحه با اسرائیل در امر حمله و اسرائیل به راکتور های ایرانی رأی گیری کرد. حاضران ، بر ندادن چراغ سبز به اسرائیل ، توافق کردند. اما مستشار امنیت ملی ، به حالتی متأثر با این نظر جمع ، موافقت کرد.

چگونگی تحقق برنامه

وزیر دفاع ، طرح جنگ را مبنی بر کوبیدن ایران طی سه مرحله ، تقدیم کرد : يك : کوبیدن پادگان های سپاه پاسداران ، همراه با صدور بیانیه یی مبنی بر این که سبب این کار ، دخالت سپاه پاسداران در شئون عراق است. دو : کوبیدن راکتور های اتمی ایران ، همراه با صدور بیانیه یی مبنی بر این که ایران از رأی عام جهانی در امور مربوط به برنامه و هسته یی خود ، تحدی کرده است. سه : تغییر نظام ، همراه با صدور بیانیه یی مبنی بر این که این يك نظام دیکتاتوری بود و به تروریست ها کمک می کرد. وزیر دفاع از حاضران خواست که به بوش توصیه کنند که نه به گام اول به تنهایی ، بلکه به آمادگی برای هر سه گام با هم ، فرمان دهد. چرا که هرکدام از این سه گام به دو گام دیگر مربوط است.

در مورد کوبیدن سپاه پاسداران ، وزیردفاع گفت : این ، کاری آسان است. برای این که اطلاعات ارتش ، جایگاه های آن ها را می شناسد. کوبیدن این جایگاه ها با هواپیما های « ستلیس » (شبخ) که از ایالات متّحده حرکت می کنند ، و با موشک های « کروز » که از ناوگان های دریایی در منطقه پرتاب می شوند ، عملی خواهد شد. او اضافه کرد که تمام این ها در طی يك شب انجام می پذیرد.

کوبیدن راکتور ها

در مورد کوبیدن راکتور های هسته یی ، وزیر دفاع گفت که طرح ما با طرح اسرائیل ، تفاوت ندارد. این طرح ، شامل سیصد مرکز می شود که از آن ها صد و بیست و پنج مرکز ، در ارتباط با سلاح های هسته یی و شیمیایی و میکروبی هستند ؛ و بقیه ء مراکز ، مراکز فرماندهی جنگی و پایگاه های دفاع هوایند که باید اول به آن ها پرداخت.

او گفت که این مأموریت ، پنج روز طول می کشد.

وزیر دفاع ، در مورد جنگ ، توضیح داد که جنگ ، با يك هجوم فریب دهنده از خلیج [فارس] شروع می شود. و بعد از آن که قوای ایران در جنوب ایران ، گرد آمدند ، هجوم اصلی زمینی آمریکا ، از عراق آغاز خواهد شد. وقتی که بخشی از قوای ایران به آن طرف متوجه شدند ، هجوم به سیله ء چتربازان از شمال ، از فرودگاه هایی در آذربایجان [کشور آذربایجان] و گرجستان، انجام می پذیرد.

و در همان زمان ، قوای ویژه ء آمریکایی ، از شرق افغانستان به ایران نفوذ می کنند. و بعد هم ، نیروهای زمینی از افغانستان ، به صورت انبوه و به آرامی وارد عمل می شوند.

او توضیح داد که :

- برای ارسال سلاح ، و گرد هم آوردن نیرو ها در کشور های مجاور ایران از « راه های سرّی که کسی از آن ها اطلاع ندارد » ، به سه هفته زمان نیازاست.

- برای کوبیدن نیروی نظامی ایران و راکتور های هسته یی ، يك هفته زمان احتیاج دارد.

- و برای رسیدن به حوالی تهران ، دو هفته زمان ، لازم است.

حکومت دوست

وزیر دفاع گفت :

« سقوط تهران را شبیه سقوط عراق نمی خواهیم. ما صحنه ء نبرد را در خارج تهران می خواهیم. و بعد ، نیرو های ویژه ، به داخل شهر نفوذ می کنند. و با فشار و سختی ، به سقوط حکومت و بر قرار کردن حکومتی دوست اقدام می کنیم. و به سرعت از تهران خارج می شویم. حکومت دوست ، ما را در خروج سریع از ایران یاری خواهد کرد.

«

از وزیر دفاع ، سؤال شد که آیا تغییر حکومت مذهبی قوی ایران که ربع قرن است که بر پاست کار ساده پی است.

او جواب داد که نابود کردن سپاه پاسداران ، و راکتور های اتمی ، و نفوذ انبوه از پنج جهت ، و کوبیدن تهران و رسیدن به حوالی آن و غیر منتظره های نظامی مستمر به مدّت دو یا سه هفته ، پیش از آن که به شکست نظامی راه برد ، به شکست انسانی راه خواهد برد.

او گفت :

هر حکومتی ، در حقیقت ، مثل سنگی ساکن است ؛ اما وقتی که درغلتیدن آغاز می کند ، کسی نمی داند که در کجا متوقف خواهد شد. کار اول ، در غلتانیدن آن است. و ما به این ، تواناییم.

هشدار ها

اما وزیر دفاع هشدار داد که ایران با تکیه بر شیعیان که در عراق ، اکثریت دارند ، جبهه جدیدی از داخل عراق خواهد گشود ، و بهای نفت را بالا خواهد برد. او گفت که ایران :

« وقتی که قاتع شود که ما به زودی با آن خواهیم جنگید ، به صورت پیشگیرانه ، نیرو های آمریکایی را در خلیج [فارس] مورد حمله قرار خواهد داد. » او توضیح داد که فرودگاه های آذربایجان و گرجستان ، کوچکند و قادر نیستند به در خود جا دادن نیروهای جنگ نیستند.

او پیشنهاد کرد که هفتصد میلیون دلار برای وسیع کردن این فرودگاه ها در نظر گرفته شود.

وزیر دفاع به یاد حاضران آورد که ژنرال « فرانکس » فرمانده نیروهای جنگ عراق ، يك سال ، پیش از شروع جنگ عراق ، همین مبلغ را برای توسعه و دیگرگون کردن فرودگاه های خلیج [فارس] پیشنهاد کرده بود.

او گفت :

میان اجرا و آماده سازی ، فرق است. اول ، به ناچار ، باید آماده سازی کرد. چرا که برای تعیین بودجه و ارسال آن به کنگره ، و تصویب و بازگرداندن آن به ما برای اجرا ، حاضران ، این موضوع را مورد بررسی قرار دادند و بر درنظر به وقت کافی نیاز داریم. گرفتن مبلغ پیشنهاد شده ، توافق کردند.

وزیر خارجه ، جوانب سیاسی موضوع را مورد توجه قرار داد و گفت :
« هرچنگ ساده و سریع در ایران ، معنایش ، اشغالی سخت و طولانی در عراق
است. »

و پرسید که :

« آیا برای این کار ، اعتبارات لازم را فراهم کرده ایم ؟ »
مدیر دفتر اطلاعات مرکزی گفت که گریزی از تهیه ء طرحی برای تماس های بسیار
فشرده و پربار با متحدان وجود ندارد. مخصوصاً با اروپاییان.
مأمور ارشد کاخ سفید ، نسبت به اتخاذ يك تصمیم شتابزده و انتقال آن به بوش ، قبل
از اثبات قابلیت امکان آن ، هشدار داد.

او پرسید که :

« چگونه ، بعد از تحقق اهدافمان ، از ایران خارج می شویم ؟ به رییس ، ظلم نکنید و
او را به چیزی بدون آن که صورت کامل و نهایی آن را تشریح کرده باشید قانع نسازید.
»

وزیر دفاع گفت که نظامیان ، این طرح را به « تامبا » در ایالت « فلوریدا » که مرکز
استقرار فرماندهی میانی است می برند تا در آنجا ، چگونگی اجرای آن بررسی شود.
اما مأمور ارشد کاخ سفید قانع نشد و با عصبانیت گفت : « برای آن که طرح در خلیج
تامبا پرتاب شود ! »

وزیر خارجه ، هشدار داد که :

حکومت ایران ، حکومتی دیوانه است. وقتی که بفهمد که ما فرودگاه هایی در
آذربایجان ، یا گرجستان بنا می کنیم ، حتی اگر این فرودگاه ها فرودگاه های شهری
باشند ، و حتی اگر این کار ، علیه آن ها نباشد ، حمله ء به ما را آغاز می کنند.
او پیشنهاد کرد که هجوم ، از طریق هواپیما بر ها انجام بگیرد. چون بنا کردن فرودگاه
ها شك ایرانیان را بر می انگیزد.

توصیه ء نهایی

حاضران ، موضوع توصیه کردن به بوش را در مناسب تر بودن و برتری راه حل
دیپلماتیک بر راه حل نظامی ، مورد بررسی قرار دادند.
مأمور ارشد کاخ سفید گفت که :

« مستشاران رییس در اداره ء یکم ، رنج کشیدند و استعفا دادند ، یا رنج کشیدند و ماندند. بنا بر این کفایت ، به نشیب مرتبه ء دوّم در اداره ء دوّم می افتد. »

مستشار بوش در امنیت ملّی ، گفت :

« امّا شیوه ء تفکّر رییس ، مهم تر است. او یکجور فکر می کند ، یکجور دیگر دخالت و عمل می کند ، و یکجور دیگر حرف می زند. خصلت ها و جا پا ها ی موروثی سرشت او ، در اداره ء یکم یا اداره ء دوّم دیگرگون نمی شود. »

مأمور ارشد ، با عصبانیت گفت که :

« امّا در مورد مزاج ایرانی ها و طریقه ء تفکّر آن ها و سکوت موروثی آن ها بحث نمی کنیم ! احتمال ضربه های پیشگیرانه ء ایران را بررسی نمی کنیم. هجوم به نیروهای ما در خلیج [فارس] ، هجوم در بندر بالتیمور ، و درهم کوبیدن پل دروازه ء طلایی ، و احتمال همپیمانی ایرانی ها با القاعده به منظور کوبیدن هدف هایی در آمریکا را مورد مطالعه قرار نمی دهیم. »

به دلیل معارضه ء مأمور ارشد کاخ سفید و وزیر خارجه ، و به دلیل تردید مدیر اطلاعات ، و علیرغم سرسختی وزیر دفاع و مستشار امنیت ملّی ، این اجتماع ، با تصمیم بر این که حمله ء نظامی نکردن به ایران را ، به بوش توصیه کند ، پایان یافت.